

نشریه علمی مطالعات حقوقی معاصر، سال دهم، شماره نوزدهم، پاییز و زمستان ۹۸، صفحات ۱۳۱-۱۵۵

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۸/۱۱/۰۱

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۵/۲۲

رابطه امر به معروف با مصلحت‌های سیاسی نظام اسلامی

عبدالحسین رضائی راد^۱

چکیده

در آثار فقهی و مذهبی اسلام و حتی در تمامی ادیان از ضرورت و اهمیت دو فریضه امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یک وظیفه همگانی و واجب کفایی سخن بسیار رفته است و همین ضرورت با عناوین دیگری چون «کنترل اجتماعی»، «نظارت اجتماعی»، «نظم اجتماعی»، «وجدان اجتماعی»، «انسجام اجتماعی» و «حفظ ارزش‌ها» و «هنجارهای اجتماعی» و به عنوان نوعی از «ضمانت اجرای قانون» و مانند آن‌ها در علوم اجتماعی نیز مورد بحث و تأکید قرار گرفته است. اما ضمانت اجرای خود این اصل و چالش‌های موجود در مرحله اجرای آن کمتر مورد عنایت قرار گرفته است. با توجه به آنکه اکثریت قریب به اتفاق منکرها در حیطه اختیارات حکومت به وقوع می‌پیوندد و کار آمران به معروف با وظایف دولت تعارض و تداخل می‌یابد، این تحقیق می‌کوشد چالش‌هایی را که اجرای همگانی امر به معروف در زمینه سیاسی و در خصوص وظایف نظام و مصلحت‌های انقلاب اسلامی پیش رو خواهد داشت با استفاده از تجربیات تاریخی و سیاسی و اجتماعی شناسایی کرده، برای پیشگیری از آن‌ها چاره‌جویی کند و در این مسیر پنج چالش از چالش‌های پیش رو در حیطه رابطه آمران به معروف و نظام اسلامی را به شرح زیر به بحث می‌گذارد:

عدم پاسخگویی؛ بی‌نظمی و اختلال نظام؛ تداخل با کار دولت؛ تعارض حقیقت و مصلحت؛ خطر اختلافات مذهبی.

واژگان کلیدی: اختلافات، پاسخگویی، حکومت، مصلحت، معروف، منکر، نظام.

مقدمه

امر به معروف با وجود اهمیت استثنایی آن در میان سایر تعالیم و احکام دینی به شکل محسوسی مورد بی‌توجهی جوامع اسلامی قرار گرفته (رضائی راد، ۱۳۸۶، ۱۳) و این به آثار فقهی هم سرایت کرده و هرچه زمان گذشته است به‌جای آنکه مانند مباحث دیگر فقهی بر حجم بحث افزوده شود از حجم آن کاسته شده (مطهری، ۱۳۴۸، ۲ و ۵۱-۴۹)، بلکه به‌کلی از بعضی آثار فقهی و رساله‌های عملیه مراجع حذف گردیده است (رضائی راد، ۱۳۸۷، ۱۲۴) و حتی پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز با وجود چاپ آثار فراوان در اثبات ضرورت و اهمیت و فواید اجرای این دو فریضه، اقدام تقنینی قابل توجهی در جهت تضمین اجرای آن صورت نگرفته و تنها اصل هشتم قانون اساسی آن را به‌عنوان وظیفه‌ای متقابل میان دولت و ملت مطرح کرده است و کیفیت اجرای آن را به مجوز قانونی موکول کرده است و در سال ۱۳۹۴ با تأخیر ۳۷ ساله، قانون حمایت از آمران به معروف تصویب شد و برای اولین بار پس از چهار دهه از پیروزی انقلاب مجوز قانونی اجرای امر به معروف را برای افراد عادی تضمین می‌کند که البته دارای ابهامات بسیاری است که ستاد امر به معروف را وا می‌دارد تا در دستورالعمل اجرایی آن اجرای امر به معروف را به‌عنوان اولویت آخر از شش اولویت وظایف این ستاد معرفی کند (ستاد احیای امر به معروف، ۱۳۹۵) و عملاً اجرای این دو فریضه مهم را به حاشیه براند.

۱. بیان مسئله

امر به معروف از اصول مسلم دینی است و محتوای اصلی آن در علوم اجتماعی نیز با عناوین دیگری چون «کنترل اجتماعی»، «نظارت اجتماعی» و «حراست از هنجارها» و «پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی» و «ضمانت اجرای قانون» و عناوین دیگری از این دست مورد بحث و تأکید قرار می‌گیرد و آثار متعددی در ضرورت و اهمیت آن به‌رشته تحریر درآمده است و در هیچ مسئله‌ای از مسائل دینی میان علمای دینی از فرقه‌های مختلف به این اندازه وحدت نظر حاصل نشده است (رضایی راد، ۱۳۸۶، ۱۶ و ۱۷). اما با وجود این، همیشه از بی‌توجهی به آن و ترک و فراموشی آن گلایه‌ها وجود داشته است (رضایی راد، ۱۳۸۶، ۱۵). راز این تعارض را نه در مبانی و ادله آن، بلکه در شیوه‌های اجرای آن می‌توان جستجو کرد.

این تحقیق می‌کوشد که پاسخگوی این پرسش باشد که اجرای مردمی امر به معروف و نهی از منکر چه رابطه‌ای با مصالح نظام اسلامی دارد و در تعارض حفظ مصلحت که وظیفه حکومت است و حفظ ارزش‌ها که وظیفه آمران به معروف است، تکلیف چیست؟ به این منظور پنج چالش مهم در خصوص مصالح حکومتی را به‌عنوان بخشی از چالش‌های سیاسی اجرای مردمی امر به معروف به شرح زیر به بحث می‌گذارد.

۲. عدم پاسخگویی

پاسخگو بودن نظام‌های اجتماعی خود از موازین شرعی (قدردان قراملکی، ۱۳۸۲، ۲۳۹) و از اعرف معروف‌هاست و لذا آمران به معروف هم نمی‌توانند از این قاعده مستثنی باشند. مطابق تعالیم قرآن کریم و احادیث اسلامی، هیچ‌کس نمی‌تواند مسئولیت گناه دیگری را به‌عهده بگیرد (سوره انعام: ۱۶۴؛ اسراء: ۱۵؛ فاطر: ۱۸؛ زمر: ۷؛ نجم: ۳۷).

در تمامی این آیات به‌طور صریح آمده که هیچ‌کس نمی‌تواند عهده‌دار گناه دیگری باشد و لازمه این معنا آن است که هرکس باید مسئول اعمال خویش و پاسخگوی آن‌ها باشد. در آیات دیگر نیز به‌طور ضمنی به این مسئله اشاره شده است. هر انسانی در گرو اعمال خویش و مسئول آن‌ها است (سوره طور: ۲۱؛ مدثر: ۳۸). از هر کاری که پاسخگوی مشخصی ندارد و پاسخگویی در برابر آن میسر نباشد باید اجتناب کرد. امام علی (ع) در نهج‌البلاغه می‌فرماید: «احذر کل عمل اذا سئل عنه صاحبه انکر و اعتذر منه»؛ یعنی از کاری که صاحبش حاضر به قبول مسئولیت آن نباشد اجتناب کن (دشتی، ۱۳۷۸، ش ۶۹، بند ۳). اگر امر به معروف مسئول مشخصی نداشته باشد به دلیل نامعلوم بودن مجریانش و عدم امکان پاسخگویی و بازخواست، امر به معروف زمینه‌ساز ناامنی و سوءاستفاده فرصت‌طلبان و ظالمان و لذا سلطه اشرار و ظالمان بر صالحان و مظلومان خواهد بود و این چیزی است که با فلسفه و اهداف امر به معروف در تضاد است، زیرا یکی از اهداف این دو، اصل امنیت و عدالت و جلوگیری از سلطه اشرار است و در روایات گفته شده در صورت ترک این دو فریضه، اشرار بر شما مسلط می‌شوند (ری‌شهری، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ۲۶۴) و لذا اگر امر به معروف باعث سلطه اشرار شود، نقض غرض است و خلاف آنچه از آن مورد نظر بوده و نمی‌تواند امر به معروفی باشد که اسلام از ما خواسته است.

اجرای امر به معروف اگر تحت پوشش یک سازمان مشخص و نهادی شناخته شده نباشد در صورت انجام عملی نادرست و ایجاد تبعات نامطلوب یا سوءاستفاده‌های مغرضان از اعمال صادقانه آمران به معروف چه کسی پاسخگو خواهد بود و چگونه می‌توان خسارات وارده را جبران کرد؟ بر همین اساس است که در نظام اسلامی پاسخگویی حتی برای رئیس‌جمهور که برگزیده اکثریت جامعه است به رسمیت شناخته شده و در قانون اساسی مقرر شده است که رئیس‌جمهور باید در برابر رهبر، مجلس و ملت پاسخگو باشد (اصل ۱۲۲ قانون اساسی ایران). وقتی برگزیده ملت که مثل وکیل، ید او ید موکل است باید نسبت به اعمال خود پاسخگو باشد، آمران به معروف که چنین اذن و اختیاری از مردم کسب نکرده‌اند و حقی و سمتی در امور و اموال مردم ندارند به طریق اولی باید پاسخگو باشند.

بر این اساس شایسته است آمران به معروف مانند همه اصناف و تخصص‌های دیگر در قالب گروه‌ها و تشکل‌های سازمان‌یافته و شناسایی‌شده مدیریت شوند و در محدوده خاصی که تخصص آن را دارند به فعالیت بپردازند تا در صورت تخلف یا ورود به محدوده‌ای که صلاحیت آن را ندارند، قابل پیگرد و اصلاح و جبران باشند و این پاسخگویی افراد و نهادها، مطلبی است که هم در متون و منابع دینی به آن اشاره شده است و هم تجربیات اجرایی جوامع پیشرفته بر آن صحنه می‌گذارد.

۳. بی‌نظمی و اختلال نظام

«یکی از ارکان امر به معروف، اشخاص امرشونده یا نهی‌شونده هستند و امر به معروف و نهی از منکر بدون وجود این رکن معنا نخواهد داشت و بدین‌سان فریضه امر به معروف از حوزه حقوق و اختیارات فردی شخص آمر یا ناهی فراتر رفته، با حقوق دیگر افراد جامعه ارتباط پیدا می‌کند. اگر شخص امرشونده و یا نهی‌شونده با گشاده‌روئی امر و نهی را پذیرا گردد تعارضی در جامعه پدید نمی‌آید اما این حالت، حالتی نیست که همواره وقوع آن قابل انتظار باشد. همچنین زمانی که این فعالیت فردی و دعوت افراد جامعه به تغییری در روش زندگی یا سیاست‌های دستگاه حاکم نیازمند باشد که در این صورت حتی توافق امرشونده با امرکننده نیز کافی نخواهد بود و این توافق به معنای پذیرفته شدن این فعالیت در سطح جامعه نیست» (پاکتچی، ۱۳۸۰، ج ۱۰، ۲۰۵).

اهمیت این مطلب زمانی آشکارتر می‌شود که بدانیم بر اساس بعضی از متون حدیثی به صراحت دلالت بر آن دارند که امر به معروف صرفاً یک وظیفه شفاهی نیست و اثربخشی این اصل در جامعه به گسترش آن تا مرحله عملی وابسته است و در روایات کسانی که به سخن اکتفا می‌کنند مورد انتقاد قرار گرفته‌اند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰، ۲۰۵)

از سوی دیگر امر و نهی حکام هم یکی از بخش‌های مهم این وظیفه است (ر.ک. ری شهری، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ۲۶۲، حدیث ش ۱۲۴۱۹) و به هیچ عنوان این وظیفه در رابطه افراد با همدیگر محدود نشده است، بلکه در صورت وقوع منکری از حکام یا حدوث ظلم و بدعت و طغیان، برداشت سلاح برای مبارزه با آن هم واجب است (ابن میمون، ۱۴۰۷ق، ۶۰۷ و ۶۶؛ تفتازانی، ۱۴۰۹ق، ۵؛ منتظری، بی‌تا، ج ۱، ۵۹۳ به بعد) و فقها حق شورش علیه حاکم غیرعادل را با استناد به اصل امر به معروف و احادیثی از قبیل «لا طاعة لمخلوق فی معصیه الخالق» برای مکلفین ثابت و مسلم می‌دانند (لمبتون، ۱۳۸۰، ۴۸۷؛ حلی، ۱۳۸۶ق، ۶۲۷؛ ابن البراج، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ۴۶۷) و حتی برخی از پژوهشگران تلویحاً حق نهی از منکر را حقی فراقانونی و از حقوقی دانسته‌اند که حاکم نمی‌تواند آن را از شهروندان سلب یا برای آن حد و مرز تعیین کند (سروش، ۱۳۷۳، ۲۶۹) و برخی دیگر حتی تصدی آن را نیازمند اذن از سوی کسی ندانسته و گفته‌اند اذن عمل به امر به معروف را خدا به آن‌ها داده است، زیرا آن‌ها به تعبیر آیات و روایات (ر.ک. سوره فاطر: ۳۹ و نور: ۵۵؛ ری شهری، ۱۴۰۴ق، حدیث ش ۱۲۳۸۶) جانشین خدا در زمین هستند (shafaa, 2004, 5-6).

چنین اظهار نظرها و چنین نگرش‌هایی به مسئله امر به معروف حتی اگر مسلم و موافق موازین فقهی و حقوقی باشد، از اصل امر به معروف اصلی فراقانونی و بسیار گسترده و غیرقابل کنترل و ضابطه‌ناپذیر می‌سازد که بر اساس آن بتوان هر قانونی را زیرپا گذاشت و برای حفظ پاره‌ای از ارزش‌ها، نظم اجتماع را که اعرف معروف‌ها و اشرف ارزش‌هاست برهم زد و بدین‌سان حفظ نظم و امنیت که به تعبیر بعضی از مؤلفان همان امر به معروف است (ر.ک. مقاله «شهردار و شهروند در قرن هفتم هجری» در روزنامه همشهری، ۱۹ دی ۱۳۸۱، ش ۲۹۵۲، ۱) به وسیله امر به معروف قربانی می‌شود و با چنین برداشتی، دست حاکم برای حفظ امنیت بسته شده، نفوذ و قاطعیت احکامش کاهش می‌یابد. زیرا بسیاری از

تصمیمات حاکمان که برای حفظ امنیت و آرامش جامعه اتخاذ می‌گردد، ممکن است از جهاتی با حکمی از احکام شرعی در تضاد باشد یا به تعطیلی موقت سنتی از سنت‌ها بینجامد که البته حاکم اسلامی چنین حقی را دارد که از باب قاعده «لاهم فالاهم» برای حفظ مصلحت جامعه و حفظ امنیت که از همه چیز مهم‌تر است دست به چنین اقداماتی بزند. ولی با چنان برداشتی از نهی از منکر این فریضه اسلامی برای حاکمی که در صدد تأمین امنیت کشور است ایجاد مانع می‌کند، توجیهی برای سرپیچی از قوانین می‌شود (Ulrike, 2005, 4)، بی‌نظمی و اغتشاش و هرج و مرج را تئوریزه می‌کند و جامعه را مدام در معرض حوادث و شورش‌ها قرار می‌دهد. چنین جامعه‌ای هیچ‌گاه روی آسایش و ثبات را نخواهد دید و در نتیجه از آرامش و سعادت و پیشرفت علمی و فرهنگی بویی نخواهد برد؛ به‌خصوص اگر در این میان افرادی باشند که با سوءاستفاده از این اصل برای تأمین اغراض سیاسی یا مادی خود دست به اعمالی بزنند و جنایات‌ها و سرقت‌ها و آشوب‌طلبی‌های خود را به نام امر به معروف بر جامعه تحمیل کنند (مطهری، ۱۳۴۸، ج ۲، ۴۹ و ۷۳۴ و ۷۶۶) و اغلب اثبات جرم‌هایی از این قبیل و مشخص کردن اینکه آیا به‌راستی منکری رخ داده یا معرفی ترک شده یا اینکه امر به معروف بهانه‌ای برای آشوب بوده، بسیار دشوار است و اغلب این چنین پرونده‌هایی در حاله‌ای از ابهام مانده، مشمول گذر زمان می‌شوند.

اینکه در جمهوری اسلامی ایران امر به معروف در قوانین کشوری به‌عنوان یکی از عوامل موجه شدن جرم تصویب (ر.ک. ماده ۳۱ قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۶۱، بند ۳)، اما پس از مدت کوتاهی این قانون حذف می‌شود (در قانون مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۷۰، بند ۳ حذف گردیده است) و نیز رئیس جمهوری اسلامی ایران به دلیل احتمال اصطکاک و هرج و مرج در اجرای آن، تقاضای توقف قانون حمایت از آمران به معروف را می‌کند (نویخت، ۱۳۹۶، کد خبر: ۴۶۰۷۹۸، خبرگزاری مشرق نیوز)، دلیلی است که امر به معروف می‌تواند بهانه‌ای برای فرصت‌طلبان باشد و اینکه نمی‌توان از آن به‌عنوان اصلی فراقانونی دفاع کرد و به آمران و ناهیان اجازه داد که به‌منظور نهی از منکر دست به کارهای غیرقانونی بزنند.

از سوی دیگر حتی اگر آمران به معروف بر حق بوده، به‌راستی برای وقوع منکر یا ترک معروفی دست به اعمالی زده باشند که موجب بروز اختلاف و نزاعی شده باشد، حاکمان ناهل می‌توانند آنان را به بهانه اغتشاش و ایجاد بی‌نظمی یا با تنظیم شکایتی صوری از جانب فاعلان منکر به بند کشانده، به مجازات برسانند، زیرا اثبات وقوع منکر از روش‌های رسمی بسیار دشوار است، اما اثبات اقدام به ایجاد نزاع و درگیری بسیار آسان. چه بسیار مواردی که حاکمان ناهل برای سرکوب کردن یک جریان و نهضت مردمی افرادی را اجیر می‌کنند تا با همان شعارها و سخن‌ها به ایجاد ناامنی بپردازند و پس از آن به بهانه جلوگیری از بی‌نظمی و اغتشاش با وانمود کردن این خرابکاران به جای انقلابیون، نهضت مردمی را سرکوب کرده، بر منکرات حکومت سرپوش می‌گذارند. مشابه همان چیزی که در ایام انقلاب در ایران توسط شاه مخلوع اتفاق افتاد و شاید بر همین اساس بود که امام خمینی تظاهرکنندگان را از شکستن شیشه‌های مؤسسات دولتی که پیش از آن مرسوم شده بود منع کرده، تقاضاهای همکاری ایشان با گروه‌های مسلح را رد می‌کردند و مبارزه مسلحانه با رژیم شاه را مجاز نمی‌دانستند و صرفاً به مبارزه فرهنگی و مسالمت‌آمیز می‌پرداختند و تا آخرین روزهای قبل از پیروزی و در حالی که رژیم شاه حکومت نظامی اعلام کرده بود و هرگونه تجمع بیش از سه نفر را سرکوب می‌کرد، اجازه مبارزه مسلحانه صادر نمی‌فرمودند و صرفاً با اکتفا به مبارزه فرهنگی و سیاسی انقلاب را به پیروزی رساندند.

در نظام جمهوری اسلامی ایران نیز متأسفانه قوانینی وجود دارد که اگر سیستم قضایی یا قوه مجریه با امر به معروف یا آمران به معروف میانه خوبی نداشته باشد به‌راحتی می‌تواند با استفاده از آن قوانین آن‌چنان آمران به معروف را در تنگنا قرار دهد که هیچ فرد دیگری از آن پس جرأت این کار را به خود ندهد، زیرا عناوین مجرمانه‌ای در قوانین ایران مطرح شده که ابهام‌انگیز است و امر به معروف و نهی از منکر را می‌توان به‌راحتی از مصادیق آن دانست و مجازات‌های سنگینی برای آن‌ها در نظر گرفت که گاه از مجازات فاعل منکر به مراتب بیشتر است؛ مانند «تبلیغ علیه نظام»، «تضعیف نظام»، «تعرض به نوامیس»، «دخالت در امور دولت»، تشویش اذهان عمومی، مبارزه با نظام و حتی محاربه و افساد فی‌الارض (مواد ۱۳۰ و ۲۸۸ و ۲۸۶ و ۲۸۷ و ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ش) و تلاش برای براندازی (ماده ۵۰۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ش).

اینجاست که می‌توان دریافت که چرا امام علی (ع) مسلمانان را از برخورد فیزیکی با مخالفان منع می‌کردند.

اصحاب امام علی در جواب کسانی که ادعای سلونی قبل ان تفقدونی امام علی را باور نمی‌کردند و اتهام جهالت به آن حضرت می‌زدند، می‌خواستند آن‌ها را ادب کنند، ولی حضرت در پاسخ فرمود: رهایشان کنید و شتاب نکنید با عجله و خشونت حجت خدا قائم نمی‌شود و براهین خدا آشکار نمی‌گردد (ر.ک. مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰، ۱۲۶).

۱.۳. چاره‌جویی فقها در برابر خطر بی‌نظمی

از بررسی نظریه‌های فقهی مشخص می‌شود که اکثریت قریب به اتفاق علمای شیعه و سنی به احتمال خطر بی‌نظمی و هرج و مرج در اجرای انفرادی این وظیفه معترف‌اند و هرکدام به شکلی درصدد رفع این معضل برآمده‌اند، ولی اصل سخن همه آن‌ها یکی است (رشید رضا، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ۲۴ و نیز ر.ک. Ulrike freitage, 2005, 3-4). یکی برای رفع مشکل بی‌نظمی اصل وجوب آن را انکار می‌کند (ر.ک. غزالی، بی‌تا، ۳۹۳-۳۹۰؛ جرجانی، ۱۳۲۰ق، ج ۷، ۳۷۴-۱۵۰؛ نجفی، ۱۳۶۷ق، ج ۲۱، ۳۸۳؛ ابن حزم، ۱۴۰۶ق، ج ۴، ۱۷۱؛ علم الهدی، ۱۴۱۱ق، ۵۵۹-۵۶۰؛ حسینی، ۱۳۸۶ق، ۲۱۷؛ شیخ مفید، ۱۳۷۲ق، ۵۶؛ شیخ طوسی، ۱۴۰۰ق، ۱۵۰) و دیگری مرحله‌ی یدی آن را به إذن معصوم یا سلطان عادل مشروط می‌سازد (ر.ک. ابن بطله، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ۵۴۱؛ سجستانی، بی‌تا، ۲۷۸؛ لمبتون، ۱۳۸۰، ۷۵؛ ر.ک. زمخسری، بی‌تا، ج ۱، ۳۹۸؛ نجفی، ۱۳۶۷، ج ۲۱، ۳۷۹ به بعد) و سومی با ایجاد محدودیت‌های بسیار در حکم امر به معروف درصدد دفع آفات و عوارض ناشی از تعمیم آن بر می‌آید (ر.ک. ابن بطله، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ۵۴۱؛ سجستانی، بی‌تا، ۲۷۸؛ لمبتون، ۱۳۸۰، ۷۵) و یا به رفع وجوب این حکم در زمان حاضر می‌گراید (ر.ک. شیخ مفید، ۱۳۷۲ق، ۵۶؛ شیخ طوسی، ۱۴۰۰ق، ۱۵؛ حسینی، ۱۳۸۶ق، ۲۱۷؛ قاضی، ۱۳۸۴ق، ۱۲۴ و ۱۲۶ و ۱۴۸ و ۷۴۱؛ الجوینی، ۱۳۶۹ق، ۳۶۸).

همچنین از این‌گونه نظرها می‌توان فهمید که طعنه‌ای که بعضی علمای اهل سنت به شیعه به دلیل انکار جواز مرحله‌ی یدی امر به معروف زده‌اند (غزالی، ۱۳۵۲، بخش حسبه و امر

به معروف، ۱۹) صحت ندارد، زیرا مستند و دلیل علمایی که مرحله یدی امر به معروف را از سوی عموم مردم جایز ندانسته‌اند این بوده که هرج و مرج و فساد نظام پیش نیاید (ر.ک. نجفی، ۱۳۶۷، ج ۲۱، ۳۸۳) و این چیزی است که از سوی خود مستشکلین هم در آثار دیگرشان مورد قبول قرار گرفته (ر.ک. غزالی، بی‌تا، ۳۹۳-۳۹۰) و از جانب برخی دیگر از علمای اهل سنت هم تأیید شده است (ر.ک. ناصری، ۱۹۹۷، ج ۳، ۹۷)؛ وگرنه در صورتی که احتمال هرج و مرج و اختلال نظام مطرح نباشد و امر به معروف و نهی از منکر بدون کار عملی و دخالت فیزیکی نتیجه‌بخش نباشد، بسیاری از علمای شیعه هم به جواز استفاده از مرحله یدی و ضرب و جرح اعتقاد دارند و کسانی که این وظیفه را صرفاً و در همه شرایط، یک وظیفه بیانی و زبانی بدانند، بسیار اندک‌اند (زمخشری، بی‌تا، ج ۱، ۳۹۸؛ طوسی، ۱۴۰۰، ج ۳، ۳۹۸)، زیرا این عقیده برخلاف نصوص صریح و قاطعی است که امر به معروف را در همه مراحل مطرح می‌کند و گشادگی زبان را بدون گشادگی دست نمی‌پذیرد (ابن ابی الحدید، ۱۳۷۸، ج ۱۹، ۳۰۵؛ حر عاملی، ۱۴۰۳، ج ۱۱، ۱۰۹، ۴۰۳ و ۴۰۴).

۲.۳. نمونه‌های تاریخی از بی‌نظمی

شلاق زدن برخی از آمران به معروف به جرم امر به معروف و کشته شدن بسیاری از آمران به معروف به دست حکام چه به‌حق بوده باشد چه ناحق، گواه از وجود همین آفت بی‌نظمی و هرج و مرج در روش انفرادی است و اینکه در هر صورت می‌تواند باعث تعارضاتی مشکل‌آفرین میان حکومت و آمران به معروف از سویی و میان آنان و مردم از سوی دیگر باشد؛ مانند درگیری میان آمران به معروف و اعاجم در بغداد در سال ۵۳۷ق که در آنجا قایق‌هایی که شراب حمل می‌کردند در نزدیکی مدرسه‌ای از مدارس طلاب در بغداد پهلو گرفتند و طلاب فقه نسبت به این مسئله موضع‌گیری کردند، اما اعاجم آن‌ها را کتک زدند و به این شکل درگیری آغاز شد (ابن جوزی، ۱۳۵۸، ج ۱۸، ۲۶).

همچنین برای نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

≠ به‌دار کشیدن یحیی بن ذکریای محتسب از سوی منصور عباسی سال ۱۵۷ق (بغدادی، بی‌تا، ج ۱، ۷۹).

≠ کشته شدن احمدبن طیب سرخسی محتسب بغداد به دست معتضد عباسی در سال ۲۸۳ یا ۲۸۶ق (مسعودی، ۱۳۵۶، ج ۴، ۲۳۲) و موارد بسیار دیگر (برای اطلاع بیشتر، ر.ک. کتاب آقای احمد عزالدین البیابونی که ایشان افرادی را که در راه امر به معروف به شهادت رسیده‌اند شناسایی کرده و از سیره آن‌ها به عنوان مُثُلِ اعلای این فریضه یاد کرده است. نام کتاب «الامر به معروف و النهی عن المنکر» است. دارالسلام للطباعة و التوزیع و الترجمة، قاهره ۱۹۸۵م و ۱۴۰۵ق ط ۲۷).

«علت آن که در مصر، پس از تشکیل دولت جدید از یک قرن پیش تاکنون هیچ‌گاه به‌طور رسمی شغل (امر به معروف) وجود نداشته و صرفاً مأمورین دولتی با عناوین و اشکال دیگر به برخی از این وظایف می‌پرداخته‌اند چنین بی‌نظمی‌ها و خشونت‌گرایی‌هایی است که اتفاق افتاده است.

کسی که رویدادهای دهه هفتاد و هشتاد را در دانشگاه‌های این کشور مورد بررسی قرار می‌دهد، در می‌یابد که گروه‌های امر به معروف با زور درصدد جلوگیری از منکرات بوده‌اند. حتی در شهر «اسیوط» کار به جایی می‌رسد که از زن و مردی که با هم راه می‌رفتند می‌خواستند که محرم بودن خود را ثابت کنند و اگر نمی‌توانستند ممکن بود مورد ضرب و شتم هم قرار بگیرند. در ضمن، گروهی نیز که به آن‌ها «خواهران» می‌گفتند تلاش داشتند دانشجویان دختر و استادان زن دانشگاه را به پوشش اسلامی ترغیب نمایند و در صورتی که ارشادها و راهنمایی‌های آن‌ها راه به جایی نمی‌برد سرزنش و اهانت وسیله‌ای بود که مورد استفاده قرار می‌گرفت. اعضای گروه‌های اسلامی در آن دوره بارها به برهم زدن جشن‌های دانشگاهی اقدام کردند زیرا معتقد بودند که در این مراسم اختلاط دختران و پسران و کارهای منکر صورت می‌پذیرد. شهرهای دانشگاهی در آن زمان صحنه درگیری‌های دانشجویی میان جریان‌های گوناگون فکری و دانشجویان اسلام‌گرا بود و عامل این درگیری‌ها مسابلی بود که به اعتقاد اسلام‌گرایان منکر به حساب می‌آید و از این رو با استفاده از زور درصدد برمی‌آمدند جلوی آن را بگیرند. اعضای گروه‌های اسلامی در آن دوره به برخی از ویدئو کلپ‌ها حمله کردند و آن‌ها را به آتش کشیدند و این حملات سروصدای زیادی به راه انداخت و دستگاه‌های دولتی را به واکنش وادار کرد» (باهر، بی‌تا، ۳۶).

۳.۳. راهکار رهایی از بی‌نظمی

برای رهایی از خطر بی‌نظمی می‌توان برخورد فیزیکی با متخلفان و استفاده از سلاح را مانند آنچه در جوامع بزرگ امروزی مطرح است در دولت مرکزی با تشخیص قانون و تصویب نمایندگان ملت منحصر کرد و وظیفه گروه‌های مردمی را به تذکر لسانی و فعالیت رسانه‌ای و گزارش به مقامات مسئول محدود ساخت و این نظریه با فتوای علمای بسیاری که مرحله یدی امر به معروف را به إذن حاکم شرع مشروط کرده‌اند و پیش‌تر به آن اشاره شده است، تأیید می‌شود.

اصل ۳۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز هرگونه مجازات و برخورد فیزیکی با متخلفان را فقط در صلاحیت دادگاه دانسته و به اشخاص دیگر اجازه این کار را نداده است.

۴. تداخل با کار دولت

اگر امر به معروف وظیفه تمامی افراد جامعه تلقی شود و هر فردی بدون إذن و نظارتی از حکومت حق داشته باشد به اجرای این فریضه بپردازد، سؤالی که پیش می‌آید این است که اگر در کشور تخلفی رخ می‌دهد چرا دولت پیگیری نمی‌کند؟ و اگر پیگیری می‌کند امر به معروف چه نقشی دارد؟

اگر مصلحتی در عدم پیگیری وجود دارد که دولت به‌واسطه آن مصلحت پیگیری را ترک کرده است، پس در پیگیری حربه هم خیری نخواهد بود و اگر مصلحتی در ترک پیگیری نیست، وظیفه دولت است که با منکرات مبارزه کند و حربه حق دخالت ندارد. اگر وظیفه حربه، مبارزه با تخلفات سطحی و جزئی در گوشه و کنار خیابان‌ها و مسائلی در حد تخلفات ساده اخلاقی است، این مطلب نیازمند همگانی کردن امر به معروف و بسیج عمومی جامعه نیست؛ مضاف بر اینکه چنین وظیفه‌ای با آنچه از امر به معروف فهمیده می‌شود سازگاری ندارد، زیرا هدف این اصل چیزی بسیار بیشتر از تذکرات اخلاقی و نصیحت‌های شفاهی است و در حدی است که گفته شده امر به معروف هدف تمامی ادیان (ری‌شهری، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ۲۵۵، حدیث ش ۱۲۳۸۷) و موجب استواری دین و قوام شریعت است (ری‌شهری، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ۲۵۵، حدیث ش ۱۲۳۸۹ و ۱۲۸۸ و نیز ر.ک. حر عاملی،

۱۴۰۳ق، ج ۱۱، ۳۹۷) و اگر وظیفه آمران به معروف مبارزه با همه منکرات کوچک و بزرگ است، این کار از توان این افراد بیرون است، زیرا مبارزه با تخلفات پیچیده و سازمان یافته مانند قاچاق و دزدی‌های بزرگ و باندهای بین‌المللی فحشا و مانند آن از کارهایی است که دولت‌های بزرگ هم از عهده‌اش بر نمی‌آیند تا چه رسد به گروه‌های مردمی، و به فرض هم که سازمان حسبه توان آن را داشته باشد با وظایف دولت در تداخل خواهد بود (وزارت کشور ایران، بی تا، ۴۹ و ۶۱ که از تداخل کار نیروی انتظامی (پلیس) با نیروهای محلی شکایت کرده است)، زیرا یکی از عمده‌ترین وظایف حکومت، حفظ امنیت و مبارزه با تخلفات بزرگ و تأمین سلامت و رفاه جسمی و روحی جامعه است و دخالت حسبه در این کار به معنی دولت در دولت است و زمینه‌ساز بی‌نظمی و هرج و مرج و سوءاستفاده خواهد شد.

آثار تاریخی به‌صراحت (لقبال، ۱۹۱۷م، ۲۵ و ۷۱) و آثار فقهی کهن با تلویح (ابن‌خوه، ۱۴۰۹ق، ۵۳ به بعد؛ بصری ماوردی، ۱۴۰۶ق، ۹۶ و ۶۷-۷۲ و نیز ابن‌خلدون، ۱۳۵۲ق، ۲۲۶؛ ابراهیم، ۱۳۷۰ق، ج ۱، ۴۳۶؛ ابویعلی، ۱۴۰۳ق، ۹۰) درصدد تفکیک وظایف حسبه از وظایف سایر افراد مشابه چون قاضی و متطوع و مانند آن هستند. این‌گونه تلاش‌ها در تفکیک وظایف به‌طور ضمنی دلالت دارد و بر وقوع تداخل‌ها و بروز مشکلاتی از این ناحیه بر جامعه اسلامی و نحوه اجرای این دو فریضه تحمیل شده است. گواه آن است که در گذشته اختیارات و وظایف آمران به معروف به قدری زیاد بوده که تفکیک میان آن‌ها ایجاد اشکال کرده و گاه خطر طمع محتسب به اموال و آبروی مردم و سوءاستفاده از اختیارات را ایجاد کرده است. وقتی کتاب‌هایی مانند «احکام السلطانیه» و «معالم القریه» که تقریباً منبع بسیاری از محققان تاریخ حسبه و امر به معروف بوده و در بعضی از دوره‌ها منشور و ملاک عمل دایره حسبه قرار داشته است (پاکتچی، ۱۳۸۰، ج ۱۰، ۲۰۶ مدخل امر به معروف و همین مدخل در بصری ماوردی ۱۴۰۶ق، ج ۱، ۳۵۴)، بخش‌های مفصلی را به مرزبندی میان وظایف قاضی و حسبه از سویی، و حسبه و سایر آمران به معروف از سوی دیگر اختصاص می‌دهد، گواه این مطلب است که عدم تفکیک میان وظایف نهادهای مشابه مشکلاتی را به بار آورده و موجب تداخل وظایف و اختلال امور گردیده است و شاید به همین دلیل باشد که بعضی از علمای اهل سنت می‌کوشند امر به معروف را به امور اخلاقی اختصاص دهند (لمبتون، ۱۳۸۰، ۴۸۵) و وظیفه نصیحت را جایگزین وظیفه نهی از منکر سازند و در کتب



خود بحثی از امر به معروف را ذکر نکنند و به جای آن از وظیفه نصیحت به عنوان وظیفه عموم مردم نام ببرند (همان). گویی این بزرگواران برای پیشگیری از درگیری‌های سیاسی که از نتایج تداخل وظایف دولت و امران به معروف است راه چاره را در این دیده‌اند که بُعد مذهبی و نصیحت‌آمیز و اخلاقی امر به معروف را به عموم مردم واگذار کنند و بُعد عملی و پیچیده آن را در وظایف حکومت بگنجانند و بدین سان در مقابل دولت عملاً به عقب‌نشینی سازمان حسبه که متصدی امر به معروف بوده فتوا دهند و شاید گنجاندن مباحث امر به معروف در کتاب احکام السلطانیه و نگنجاندن آن‌ها در کتب فقهی که در آثار اهل سنت رایج است نیز اعتراف ضمنی به دولتی بودن حسبه و آفات روش‌های غیردولتی از جمله حسبه سازمانی باشد.

در جمهوری اسلامی ایران نیز وقتی پس از گذشت ۳۷ سال از پیروزی انقلاب قانونی برای اجرای امر به معروف پس از چالش‌ها و اختلاف نظرهای فراوان در مجلس شورا تصویب می‌شود، قبل از ابلاغ، رئیس‌جمهور به دلایلی از جمله تداخل کاری با دولت طی نامه‌ای به رهبر انقلاب متقاضی توقف اجرای این قانون می‌گردد (خبرگزاری ایرنا، ۱۵ اردیبهشت ۱۳۹۶) و این موضوع نیز تأییدی است که این تداخل آفتی است که به ذات امر به معروف بر می‌گردد و اختصاص به دولت‌های ناصالح قدیم ندارد.

- **راهکار رهایی از تداخل.** مشکل تداخل کاری با دولت و حکومت که پیش‌تر به آن اشاره شد زمانی به وقوع می‌پیوندد که امران به معروف دقیقاً به اجرای اموری بپردازند که حکومت متصدی آن‌هاست. اما اگر امران به معروف صرفاً نقش نظارتی داشته باشند و به صورت عملی در وظایف حکومت مداخله نکنند، این مشکل مطرح نخواهد بود. ولی این امر مستلزم آن است که امران به معروف به صورت نهادینه و با هویت شناخته‌شده به فعالیت بپردازند تا این فریضه دینی بهانه‌ای به دست فرصت‌طلبان مغرض ندهد که به بهانه امر به معروف به اسرار و اطلاعات حکومتی دست پیدا کنند و از آن‌ها برای اهداف شوم خود استفاده کنند.

مطلب دیگری که برای حل مشکل تداخل باید مورد توجه قرار گیرد این است که گروه‌ها و تشکل‌ها امر به معروف باید در حد کافی از اختیارات برخوردار باشند و به آن حق نظارت و پرسشگری داده شود و نهادهای حکومتی موظف به همکاری با آن‌ها شده باشند.

۵. تعارض حقیقت و مصلحت

با آنکه حفظ ارزش‌ها و دفع منکرات از اصول خدشه‌ناپذیر شریعت است، اما حفظ نظام و جامعه اسلامی از نابودی و تشتت نیز از اصول اساسی و بلکه اساسی‌ترین اصل اسلام است و هرگاه حفظ نظام و بقای نظام اسلامی وابسته به تعطیل یا تأخیر اجرای حکمی از احکام اسلامی باشد، تعطیل یا تأخیر آن حکم نه‌تنها جایز بلکه واجب خواهد بود (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵، ج ۲، ۱۸۴ و ۲۵۹) و مرجع تصمیم‌گیری در این مورد و تشخیص مصادیق مصلحت نظام هم تنها در صلاحیت حاکم اسلامی است.

با عنایت به این مسئله است که می‌توان پیش‌بینی کرد که اجرای همگانی امر به معروف با چه مشکلاتی مواجه خواهد شد. زیرا آنچه می‌تواند برعهده مردم گذاشته شود، احیای ارزش‌ها و امر به معروف است، نه تشخیص مصلحت و موارد تعطیل احکام. تشخیص مصلحت از وظایف حکومت است و آمران به معروف نه‌تنها چنین وظیفه‌ای ندارند، بلکه صلاحیت قانونی تشخیص این موضوع را هم نخواهند داشت، زیرا تشخیص مصلحت و ضرورت، احاطه عمیق و همه‌جانبه در امور کشور را نیاز دارد و اطلاعات و تجربیاتی را می‌طلبد که تنها مسئولان طراز اول حکومت از آن برخوردارند و لذا هرگاه پای مصلحت و ضرورت در میان آید، سازمان امر به معروف مثل هر فرد و نهاد دیگر چاره‌ای جز آن ندارد که مطیع و پیرو حاکم اسلامی و ولی امر مسلمین باشد.

اگر بنا باشد در هر گوشه و کنار مملکت هر نهاد و اداره و سازمانی مأموری از مأموران امر به معروف حاضر شوند و با مسئولان امر مشاجره کنند و در کار آن‌ها دخالت کنند و سد راه تصمیمات آنان شوند، هیچ کاری پیش نخواهد رفت و در روند اجرای امور که اغلب نیازمند سرعت و قاطعیت است، اختلال اساسی ایجاد خواهد شد و به قول مولا علی (ع): «لَا بُدَّ لِلنَّاسِ مِنْ امِيرٍ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ» (فیض‌الاسلام، ۱۳۵۱، خطبه ۴۰) و «لَا رَأْيَ لِمَنْ لَا يُطَاعُ» (دستی، ۱۳۷۸، خطبه ۲۷ بند ۱۶؛ فیض‌الاسلام، ۱۳۵۱، خطبه ۲۶).

تصمیم‌گیری و اداره مملکت نیاز به کشوری آرام و حاکمی مبسوط‌الید دارد؛ به‌خصوص در کشورهای مستقل اسلامی که مورد تهدید دشمنان بسیاری در داخل و خارج هستند؛ دشمنانی که منتظر بهانه‌اند تا زمام امور را به‌دست گیرند و بر مقدرات این کشورها مسلط

شوند. حال اگر امر به معروف سد راه قاطعیت و صلابت و سرعت عمل مسئولان باشد، درحقیقت سد راه استقلال کشور و مانع اجرای احکام دینی گردیده و این خود مصداقی از مصادیق منکر است و چنین امر به معروفی در حقیقت امر به منکر و ایجاد مانع برای حاکم اسلامی و مسئولان امر است، نه امر به معروف.

از سوی دیگر، اگر آمران به معروف در هر جا که حاکمان مصلحت بدانند دست نگه دارند و کوتاه بیایند، این مشکل پیش می‌آید که حاکمان به تشخیص خود در موارد مختلف، دانسته یا ندانسته به بهانه مصلحت و حفظ نظام در کار اجرای امر به معروف ایجاد مانع کنند و برای پیشبرد اهداف سیاسی خود به اشکال گوناگون در کار امر به معروف دخالت کنند و به تدریج ترک اکثریت معروف‌ها و ارتکاب اکثر منکرها رواج پیدا کند و سازمان امر به معروف هم حق دخالت نداشته باشد و هرگاه دخالت کند به مخالفت با مصلحت کشور و اقدام علیه منویات حاکم و امنیت ملی و مانند آن متهم شود و روی هر مسئله‌ای انگشت بگذارد و نسبت به هر تخلفی واکنش نشان دهد به او گفته شود که این کار مصلحت نیست و بدین‌سان به تدریج از امر به معروف جز نامی باقی نمی‌ماند.

اگر تمام شاخ و برگ‌های امر به معروف با قیچی مصلحت چیده شود، چگونه می‌تواند احیاگر ارزش‌های دقیق و عمیق اسلامی باشد که یکی از اهداف آن است؟ و اگر نتواند احیاگر ارزش‌ها باشد از مسیر خود منحرف شده، نمی‌تواند رافع تکلیف و مسقط عذاب الهی باشد.

اگر حفظ مصلحت به گونه‌ای تعریف شود که نقش آمران به معروف را کم‌رنگ و از آن‌ها در اکثر موارد سلب صلاحیت کند و موجب معصوم‌انگاری حکومت شود، منکری به وقوع پیوسته است که نه تنها مطابق مصلحت جامعه و نظام نیست، بلکه مفسده‌اش از هر مفسده دیگری بیشتر است و به منزله بت شدن حکومت و نوعی بت‌پرستی بوده که انکر منکرات است و همه ادیان با آن به مخالفت برخاسته‌اند.

«در اسلام هیچ احدی کریت و اعتصام ندارد و خود پیامبر هم می‌فرماید اگر من گناه کنم یا شرک بورزم از خدا می‌ترسم» (مطهری، بی‌تا، ۱۳۲) و خداوند تعالی در مورد ایشان

می‌فرماید اگر به ما چیزی نسبت دهد که خلاف واقع باشد، دست او را قطع می‌کنیم (سوره الحاقه: ۲۴ و ۴۵) و امام علی (ع) می‌فرماید مشورت خیر را از من دریغ نکنید (فیض الاسلام، ۱۳۸۳، خطبه ۲۰۷، ۶۸۷).

شاید وقوع این‌گونه وقایع و نظر به این‌گونه تجربیات تاریخی است که جامعه‌شناس مسلمان معاصر را بر آن می‌دارد که بگوید: «من نسبت به مصلحت عقده پیدا کردم و معتقدم هیچ چیز جز حقیقت مصلحت نیست» (شریعتی، ۱۳۷۸، ۷۹).

در جمهوری اسلامی ایران نیز با وجود تذکرات مکرر مقام معظم رهبری در مقاطع زمانی مختلف (برای نمونه، رک. خامنه‌ای، ۱۳۸۰، سایت خبری آپارات و سایت تابناک، ۱۳۹۴، کد خبر: ۴۹۵۶۴۹) و به صورت مخفیانه و آشکار و رسانه‌ای شدن موضوع مفساد اقتصادی در دولت و سایر نهادهای حکومتی هیچ اقدام جدی صورت نمی‌گیرد و در محافل خبری بارها از برخورد گزینشی با مفسدان (علی‌زاده، ۱۳۹۶، کد خبر: ۱۶۲۶) و مدارا با مفسدان (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، <https://khabarfarsi.com/u/56716613>) سخن گفته می‌شود و این مطلب نشانگر آن است که تعارض حقیقت و مصلحت حتی در جمهوری اسلامی ایران نیز می‌تواند مماشات با مفسدان و چشم‌پوشی از ارزش‌ها و قربانی شدن حقیقت در پای مصلحت را به دنبال داشته باشد.

آنچه در عهد صفویان در ایران می‌بینیم که با وجود مذهبیت ظاهری حاکمان (جعفریان، ۱۳۷۵، ج ۵، ۲۷) و تأسیس دوایر دولتی حسبه و امر به معروف، علما به جرم امر به معروف تبعید می‌شوند (جعفریان، ۱۳۷۵، ج ۵، ۲۷) یا در لهستان لایحه کلیسای کاتولیک برای محدود کردن رواج تصاویر مبتذل با وجود تصویب در دو مجلس لهستان، به بهانه‌های مصلحت‌جویانه از سوی رئیس‌جمهور این کشور وتو می‌شود (مقاله «گسترش فساد در لهستان»، مجله ترجمان سیاسی، ۵۵)، همگی حکایت از آن دارند که اگر قدرت اصلی کشور به دست صالحان نباشد، امر به معروف سرنوشتی جز انزوا و اضمحلال نخواهد داشت. نمونه‌ای دیگر از مانع‌تراشی‌های مصلحت‌گرایانه حاکمان برای امر به معروف، دستگیری یوسف البدری نماینده شاخص پارلمان مصر است که به دلیل تشکیل گروه امر به معروف در منطقه عین حلوان دستگیر می‌شود و به این بهانه که گروه او با استفاده از زور قصد داشته‌اند

جلوی منکرات را بگیرند مورد محاکمه قرار می‌گیرد؛ درحالی که خود او منکر این اتهام شده و می‌گوید این ادعا دروغ است و واقعیت این بوده که دختر و پسر جوانی در مسجد او عمل زشتی را مرتکب شده‌اند و گروه او آن‌ها را تحویل پلیس داده است (باهر، بی‌تا، ۳۵).

- **راهکار رفع تعارض حقیقت و مصلحت.** برای رفع تعارض میان مصالح کلی و ارزش‌ها و هنجارهای ثابت جامعه شایسته است مصادیق معروف و منکر در هر صنفی از سوی علما و مراجع با همکاری کارشناس آن حوزه شناسایی شود و به‌عنوان شیوه‌نامه نهادهای مردمی که عهده‌دار اجرای فریضه امر به معروف هستند قرار گیرد و برای آنکه با مصالح کلی جامعه و نظام در تقابل نباشد در مجالس قانون‌گذاری و طی تشریفات قانونی به تصویب برسد.

مسئله تشخیص مصادیق یکی از مهم‌ترین چالش‌ها در اجرای امر به معروف است که از جهات مختلف قابل بررسی است و این نوشتار بیش از این گنجایش ندارد، ولی نگارنده همین مقاله، چالش تشخیص مصادیق معروف و منکر را به‌عنوان یکی از مشکلات فراروی قانون حمایت از آمران به معروف در مقاله مستقلی مطالعه کرده که در حال بررسی برای چاپ است.

۶. خطر اختلافات مذهبی

اگر رهبری سازمان حسبه به دست علمای دین باشد، به مدد علم و تجربه و تقوای فقیهان از افراط و تفریط‌ها در امان می‌ماند و به آفت ویرانگر عوام‌زدگی و کج‌فهمی و مانند آن گرفتار نمی‌شود. اما این نقطه قوت از جهت دیگر می‌تواند یک نقطه ضعف را برانگیزد و آن خطر اختلافات مذهبی است.

در جامعه‌ای که قدرتهای متعدد محلی وجود دارد، امر به معروف تنها با هم‌گرایی با قدرتهای محلی می‌تواند به کار خود ادامه دهد و همین نکته در زمان‌های قدیم یکی از عوامل ضعف نهاد حسبه شمرده می‌شد، زیرا محتسبان در چنین شرایطی نمی‌توانستند در برابر منکرات والیان و صاحب‌منصبان محلی بایستند و بایستی وظایف خود را به رسیدگی به تخلفات عامه مردم در کوچه و بازار محدود نموده، از تخلفات صاحب‌منصبان چشم‌پوشی می‌کردند (بادکوبه، ۱۳۸۰، ۹۱).

اختلافات مذهبی میان امیران آل بویه و خلیفگان عباسی نیز در طول تاریخ در ضعف نهاد حسبه بی‌تأثیر نبوده است؛ چنان‌که در انتخاب قاضیان این اختلاف‌ها بروز می‌کرد. بهاء‌الدوله در سال ۳۹۲ق ابو احمد موسوی (پدر شریف رضی و شریف مرتضی) را به نقابت علویان عراق، قاضی‌القضاتی، سرپرستی حاجیان و دیوان مظالم گمارد، اما خلیفه‌قادر بالله از تفویض منصب قاضی‌القضاتی او به سبب تشیع وی طفره رفت (بادکوبه، ۱۳۸۰، ۹۲).

در کتب مربوط به احکام حسبه توصیه می‌شود که محتسب بر اساس فتوای مراجع تقلید خود نباید حسبه کند، بلکه باید بنگرد که منکری که انجام شده است مطابق فتوای مرجع تقلید، فاعل آن چه حکمی دارد؟ (زمخشری، بی‌تا، ج ۱، ۳۹۶؛ نجفی، ۱۳۶۷ق، ج ۲۱، ۳۷۱-۳۶۹؛ امام خمینی، بی‌تا، ج ۱، ۴۶۶).

این مطلب گواه آن است که احتمال بروز اختلافات مذهبی، فرقه‌ای و سلیقه‌ای در اجرای این وظیفه وجود داشته و آفاتی در حال بروز بوده که این بزرگواران را به بیان این گونه تذکرات واداشته است و همین تذکر مهم می‌تواند به‌عنوان راهکاری مناسب برای مدیریت اختلافات مذهبی در اجرای امر به معروف باشد؛ هرچند همین چالش بزرگ، خود می‌تواند به‌تنهایی موضوع تحقیقی مستقل قرار گیرد و از جهات حقوقی، اجتماعی و مذهبی بررسی شود.

نتیجه

«امر به معروف و نهی از منکر» و «حفظ ارزش‌ها» با وجود اهمیت فراوان نمی‌توانند از حفظ نظام و اصل دین که اعراف معروف‌ها هستند، مهم‌تر باشند؛ بنابراین به‌ناچار باید با درنظر گرفتن اولویت‌های نظام اسلامی و مصالح بزرگ‌تر به‌اجرا درآیند و آمران به معروف و حکومت و نظام اسلامی چاره‌ای ندارند جز آنکه فعالیت‌های خود را با هماهنگی همدیگر به‌اجرا درآورند و اگر چنین نباشد و نظام اسلامی و آمران به معروف همسو و همدل نباشند، نظام و امر به معروف به آسیب‌های مهمی گرفتار خواهد شد و به اضمحلال هرکدام از جانب دیگری خواهد انجامید و «عدم پاسخگویی»، «اختلال نظام»، «تداخل با کار دولت» و «تعارض حقیقت و مصلحت» و «خطر بروز اختلافات مذهبی» بخشی از این آسیب‌هاست. درعین حال، ضرورت هماهنگی امر به معروف با سیاست‌های حکومتی می‌تواند

به آفات دیگری منجر شود که بخشی از آن‌ها در ضمن این مقاله و بعضی در مقالات دیگر از همین قلم بیان شده است (ر.ک. رضایی راد، ۱۳۸۹، ش ۲۱، ۱۳۵-۱۰۹).

امروزه شئون بسیاری از زندگی مردم در حیطه اختیارات حکومت‌هاست و مهم‌ترین منکرات و اشکالات در حیطه وظایف حکومت رخ می‌دهد و به این دلیل حکومتی کردن امر به معروف می‌تواند موجب ناتوانی این نهاد مهم اجتماعی در مهار مهم‌ترین منکرات و افسارگسیختگی حکومت‌ها باشد و در عمل به انزوا و بن‌بست گرفتار آید (همان).

شایسته است نهادهای مستقلی با حمایت حکومت و تضمین استقلال و آزادی آن‌ها در قانون اساسی کشور تعریف شود و تشکیلات و ساختار آن به‌گونه‌ای تنظیم گردد که ضمن هماهنگی با مصالح کلی کشور از انحرافات و خطاهای بخش‌هایی از حکومت تأثیر نپذیرد و امکان اصلاح و پیگیری برای رفع و جبران خطاهای آن بخش از نظام اسلامی را داشته باشد.

بر این اساس، پیشنهاد می‌شود که این دو فریضه از سوی گروه‌ها و سازمان‌های مشخص با ساختارهای مستقل از حکومت با اساسنامه و مرامنامه‌های روشن و محدوده کاری مشخص و هرکدام در حوزه تخصصی خود و از سوی افراد آموزش‌دیده و متخصص و مجرب انجام شود که قدرت تشخیص مصادیق معروف و منکر را در زمینه فعالیت خود داشته باشند و اولویت‌ها و روش‌های اجرایی را بشناسند و تمکن مالی و آزادی فعالیت مستقل و به دور از نفوذ حکومت و گروه‌ها را داشته باشند و شیوه‌های پرسش‌گری از این سازمان‌ها و نظارت بر آن‌ها در قانون پیش‌بینی شده باشد. مؤلف همین مقاله این نوع از امر به معروف را «امر به معروف سازمانی» می‌نامد و در آثار دیگر خود میانی و محاسن و آفات آن را مورد بحث قرار داده است (ر.ک. رضایی راد، مقاله «ضرورت سازمان در اجرای شریعت از منظر فقهی»، در حال چاپ در فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات اسلامی فقه و اصول دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد).

همچنین پیشنهاد می‌شود فقها در مباحث فقهی، مبحث روش اجرای احکام و نتایج ناشی از اجرای احکام دینی را نیز بگنجانند و برای پیامدهای ناشی از اجرای نادرست احکام

و انحراف آن‌ها در مرحله عمل نیز چاره‌جویی کنند و احکام شرعی را به گونه‌ای تبیین و استنباط کنند که آن آسیب‌ها و موانع کاهش یابند یا از بین بروند.

دلایل ضرورت روش‌شناسی و پیامدهای نامطلوب واگذاری روش‌شناسی اجرای احکام به غیر فقیهان در آثار دیگر از همین قلم به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته است (ر.ک. مقاله «ضرورت توسعه موضوع دانش فقه به روش اجرای احکام» که در حال چاپ است).



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع و مأخذ

الف) فارسی و عربی

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه (۱۳۷۴)، مترجم: سید جعفر شهیدی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۳. ابراهیم، حسن (۱۳۷۰ق)، تاریخ سیاسی اسلام، مترجم: ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات جاویدان.
۴. ابن ابی الحدید، عزالدین ابو حامد بن هبه‌الله (۱۳۷۸ق)، تشرح نهج البلاغه، محقق: محمد ابوالفضل ابراهیم، المطبعه منشور مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی، الناشر: دار احیاء الکتب العربیه.
۵. ابن اخوه، محمد بن احمد قریشی، (۱۴۰۹ق)، معالم القریه فی احکام الحسبه، محقق: محمود شعبان هیئه المصریه العامه للکتاب.
۶. ابن البراج، القاضی عبدالعزیز الطرابلسی (۱۴۰۶ق)، المهدب، محقق: جعفر سبحانی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۷. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی (۱۳۵۸ق)، المنتظم فی تاریخ الملوک و الامم، بیروت: دارصادر.
۸. ابن حزم الاندلسی، ابی محمد علی بن احمد (۱۴۰۶ق)، الفصل فی الملل والنحل والاهواء، بیروت.
۹. ابن خلدون المغربی، عبدالرحمن (۱۳۵۲)، المقدمه ابن خلدون، مترجم: محمد پروین گنابادی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب تهران.
۱۰. ابن میمون، ابوبکر (۱۴۰۷ق)، تشرح الارشاد، محقق: احمد حجازی و احمد سقا، قاهره.
۱۱. ابویعلی، محمد بن حسین (۱۴۰۳ق)، الاحکام السلطانیه، محقق: محمد حامد فقهی، بیروت: دارالکتب العلمیه .
۱۲. ابن بطه، عکبری، عبدالله (۱۴۰۹ق)، الابانه عن الشریعه الفرقة الناجیه، ریاض.

۱۳. امام خمینی، سید روح‌الله موسوی (بی‌تا)، *تحریر الوسیله*، قم: انتشارت قدس.
۱۴. بادکوبه هزاوه، احمد (۱۳۷۹)، *حسبه درس‌زمین‌های شرق اسلامی از آغاز تا سقوط بغداد*، پایان‌نامه دوره دکتری دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران، رشته تاریخ و تمدن.
۱۵. باهر، م (بی‌تا)، «*مر به معروف در جهان عرب*»، مقاله‌ای ترجمه‌شده در مجله ترجمان سیاسی، شماره ۲۵.
۱۶. بصری ماوردی، ابی الحسن علی‌بن محمد حبیب و قاضی ابویعلی، محمدبن حسین الفراء (۱۴۰۶ق)، *احکام السلطانیه و الولايات الدینیّه*، مکتب الاعلام الاسلامی.
۱۷. البغدادی، الخطیب، احمدبن علی (بی‌تا)، *تاریخ بغداد*، بیروت: دارالکتب.
۱۸. البیابونی، احمد عزالدین (۱۴۰۵ق)، *الامر بالمعروف و النهی عن المنکر*، قاهره: دارالطباعة و الترجمة الطبعه الثانيه.
۱۹. پاکتچی، احمد (۱۳۸۰)، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، تهران: بنیاد دایره‌المعارف بزرگ اسلامی.
۲۰. تفتازانی، مسعود (۱۴۰۹ق)، *شرح المقاصد*، محقق: عبدالرحمن عمیره، بیروت.
۲۱. جرجانی، علی‌بن محمد (۱۳۲۰ق)، *شرح المواقف*، محقق: بدرالدین نعلانی، قاهره.
۲۲. جعفریان، رسول (۱۳۷۵)، *مقالات تاریخی*، قم: نشر الهادی.
۲۳. الجوبینی، عبدالملک (۱۳۶۹ق)، *الارشاد*، محقق: محمدیوسف موسی و علی عبدالعظیم عبدالمجید، قاهره.
۲۴. حرعاملی، محمدبن حسن (۱۴۰۳ق)، *وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*، تصحیح و تعلیق: عبدالرحیم الربانی الشیرازی، داراحیاء التراث العربی.
۲۵. حسینی، ابوالفتح (۱۳۸۶)، *مفتاح الباب*، همراه باب حادی عشر علامه حلی، به کوشش محمد مهدی محقق، مشهد.
۲۶. حلی، یحیی ابن سعید (۱۳۸۶ق)، *نزه النواظر فی الجمع بین الاشیاء و النظائر*، محقق: احمد الحسینی نورالدین الواعظی، نجف اشرف: مطبعه الآداب.

۲۷. دشتی، محمد (۱۳۷۸)، *نهج البلاغه ضمیمه شده به المعجم المفهرس*، چاپ هفدهم، قم: نشر امیرالمؤمنین.
۲۸. رضایی راد، عبدالحسین (۱۳۸۶)، *امر به معروف در ترازوی تاریخ*، قم: بوستان کتاب.
۲۹. رضایی راد، عبدالحسین (۱۳۸۷)، *امر به معروف در ترازوی عقل*، قم: بوستان کتاب.
۳۰. رضایی راد، عبدالحسین (زمستان ۱۳۸۹)، «دولتی شدن امر به معروف، پیامدها و راهکارها»، *فصلنامه علمی- پژوهشی پژوهشنامه علوم سیاسی*، شماره مسلسل ۲۹، سال ششم، شماره ۱.
۳۱. رضایی راد، عبدالحسین (در نوبت چاپ)، «ضرورت سازمان در اجرای شریعت از منظر فقهی»، *فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات اسلامی فقه و اصول* دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد.
۳۲. رضایی راد، عبدالحسین (۲۰۲۰)، «نقش فقه در تبیین شیوه‌های اجرای احکام»، *مجله فقه*، دوره ۲۶، شماره ۱۰۰، صص ۱۰۵-۱۲۸.
۳۳. رشید رضا، محمد (۱۴۱۲ق)، *تفسیر المنار*، قم: مؤسسه دارالکتاب.
۳۴. ری شهری محمدی، محمد (۱۴۰۴ق)، *میزان الحکمه*، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۳۵. زمخشری، محمود (بی تا)، *الکشاف*، بیروت: دارالمعرفه.
۳۶. ساکت، محمدحسین (۱۳۶۵)، *نهاد ددرسی در اسلام*، مشهد: انتشارات استان قدس رضوی.
۳۷. ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر، ابلاغی ۲۲ خرداد ۱۳۹۵، دستورالعمل اجرایی قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر، ابلاغی ۲۲ خرداد ۱۳۹۵، شماره ابلاغیه ۹۹۲/۱.
۳۸. سروش، عبدالکریم (۱۳۷۳)، *حکمت و معیشت*، تهران: مؤسسه فرهنگی صراط.
۳۹. سجستانی، امام احمد ابی داود (بی تا)، *مسائل*، محقق: محمد رشید رضا، بیروت: دارالمعرفه.
۴۰. شریعتی، علی (۱۳۷۸)، *تسعه مجموعه آثار ۷*، بخش مسئولیت شیعه بودن، چاپ هفتم، نشر الهام دفتر تدوین و تنظیم آثار معلم شهید دکتر علی شریعتی.
۴۱. مقاله «شهردار و شهروند در قرن هفتم هجری»، روزنامه همشهری ۱۹ دی ۱۳۸۱، شماره ۲۹۵۲.

۴۲. شیخ طوسی (ابوجعفر محمدبن الحسن بن علی)، (۱۴۰۰ق)، *الاقتصاد الیهادی الی طریق الرشاد*، محقق: حسن سعید مکتبه جامع چهلستون، قم: مطبعه خیام.
۴۳. شیخ مفید (النعمان محمدبن محمد)، (۱۳۷۲)، *اوائیل المقالات*، محقق: مهدی محقق، تهران.
۴۴. طبری، محمدبن جریر (۱۴۰۷ق)، *تاریخ الامم و الملوک*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۴۵. علم الهدی، سید مرتضی علی (۱۴۱۱ق)، *الدخیره*، محقق: احمد حسینی، قم.
۴۶. علی زاده (۱۳۹۶)، <http://www.scpd.ir/azsh>، کد خبر: ۱۶۲۶.
۴۷. غزالی، ابوحامد محمدبن محمد (۱۳۵۲ق)، *احیاء علوم الدین*، مصر: مطبعه العثمانیه المصریه.
۴۸. غزالی، ابوحامد محمدبن محمد (بی تا)، *کیمیای سعادت*، مهاباد: انتشارات سیدیان.
۴۹. فیض الاسلام، علینقی (۱۳۸۳)، *ترجمه و شرح نهج البلاغه امام علی*، بی جا، بی نا.
۵۰. قاضی، عبدالجبار (۱۳۸۴ق)، *شرح اصول خمس*، محقق: عبدالکریم عثمان، قاهره.
۵۱. قدردان قراملکی، محمدحسن (۱۳۸۲)، *آزادی در فقه و حدود آن*، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۵۲. لقبال، موسی (۱۹۱۷م)، *الحسیبه المذهبیه فی بلاد المغرب العربی*، الجزائر: الشركه الوطنیه للنشر و التوزیع.
۵۳. لمبتون، آن.کی.اس (۱۳۸۰)، *دولت و حکومت در اسلام*، مترجم و محقق: سید عباس صالحی و محمد مهدی فقهی، تهران: چاپ و نشر عروج.
۵۴. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، *بحار الانوار*، بیروت: مؤسسه الوفاء.
۵۵. مطهری، مرتضی (۱۳۴۸)، *حماسه حسینی*، چاپ اول، تهران و قم: انتشارات صدرا.
۵۶. مطهری، مرتضی (بی تا)، *ده گفتار*، قم: انتشارات صدرا.
۵۷. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۵)، *دائرة المعارف فقه مقارن*، با همکاری جمعی از استادان و محققان حوزه علمیه قم مدرسه امام علی بن ابیطالب (ع)، قم، ایران.
۵۸. منتظری، حسینعلی (بی تا)، *دراسات فی ولایه الفقیه وفقه الدوله الاسلامیه*، چاپ اول، قم: دارالفکر.

۵۹. ناصری، ابو العباس احمد بن خالد (۱۹۹۷م)، *الاستقصاء لأخبار الدول المغرب الاقصى*، محققان: جعفر ناصری و محمد ناصری، جلد سوم، الطبعة الأولى، قاهره: دار الكتاب دار البيضاء.

۶۰. نجفی، محمدحسن (۱۳۶۷)، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*، جلد ۲۱، محقق: عباس قوچانی، چاپ هفتم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

۶۱. وزارت کشور ایران (بی‌تا)، *پلیس ایران*، بی‌جا، موجود در کتابخانه دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه واحد خراسان، مشهد.

ب) انگلیسی

62. Shafaat. A. commanding good and forbidding evil, [HTTP://saif.tripod.com/explore/dawah/.htm,13/2/2004](http://saif.tripod.com/explore/dawah/.htm,13/2/2004).

63. Dr. Ulike. f, department of history SOAS History.
<http://www.ur/welcome.htm> 2005/1/16.

ج) سایت‌ها

۶۴. سایت آپارات <https://www.aparat.com/v/otjQ3>. 8/2/1394.

۶۵. سایت تابناک <http://www.tabnak.ir/fa/news/495649>

۶۶. خامنه‌ای، بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در مراسم تنفیذ حکم رئیس‌جمهوری وقت، ۱۱ مرداد ۱۳۸۰، <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=307>

۶۷. خامنه‌ای، ۱۳۹۴، خبرگزاری ایرنا، [/www.irna.ir/fa/news](http://www.irna.ir/fa/news)

۶۸. خامنه‌ای، ۱۳۹۷، <https://khabarfarsi.com/u/56716613>، کد خبر: ۵۶۷۱۶۶۱۳، الاداب.